

نیایش در بیان قرآن، اهل بیت علیهم السلام، علما و اندیشمندان

سیدمهدی طاهری

قرآن و نیایش

اهمیت نیایش را می‌توان در سه دسته از آیات قرآنی دریافت: دسته اول، آیاتی که خدای تعالی در آن بندگان مؤمن خود را به نیایش با خداوند ترغیب کرده است. از جمله آیات:

«أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ؛ مَنْ دَعَا نِيَاشِغْرًا رَا هَرْگَاهَ كِه مَرَا بَخْوَانْد، اِجَابْت مِی‌کنم». (بقره: ۱۸۶)
 «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ بَخْوَانْد مَرَا تَا اِجَابْت كَنْم شَمَا رَا». (مؤمن: ۶۲) نیز «أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً؛ پَرُورْدگَار خُود رَا بَا حَالْت زَارِی وَ دَر حَال پَنهَانِی بَخْوَانْد». (اعراف: ۵۵) باز در این باره در قرآن کریم آمده است: «وَادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا؛ وَ بَخْوَانْد خُدَای رَا دَر حَالِی كِه تَرْسَنَاك بَاشِید وَ نِيز اَمِیدوار بَه رَحْمَتِ بِي مَتَهَای اُو». (اعراف: ۵۶)

دسته دوم، آیات و قصه‌های برخی پیامبران است که در آنها، هرگاه پیامبران نیازی داشته‌اند یا به مصیبتی گرفتار شده‌اند، به دامان نیایش پناه برده‌اند. همانند داستان حضرت آدم علیه السلام که پس از ترک اولی و لغزشی که مرتکب شد، در مقام اعتراف به تقصیر، چنین نیایش کرد: «پَرُورْدگَار! مَا بَر نَفْسِ هَای خُود سْتَم كَرْدِیم. اِگَر مَا رَا نِیَاْمَرْزِی وَ بَر مَا رَحْم نِیَاوَرِی، هَر آئِنَه اَز زَبَان كَارَان خُوَاهِیم بُوَد». (اعراف: ۲۳)

حضرت نوح علیه السلام پس از تحمل صدها سال سختی و بلا، دعا و نیایش را تنها وسیله رهایی خویش از چنگال قوم گمراهش می‌دانست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ نُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلِ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ؛ [و بَه یَا د آور] نُوح رَا زَمَانِی كِه اَز پِیش دَعَا كَرْدَه بُوَد وَ مَا مَسْتَجَاب كَرْدِیم». (انبیاء: ۷۶) همچنین، در قرآن می‌خوانیم: «پَس نُوح نِیَاشِغْرًا كَرْد: بَه دَرْسْتِی كِه مَن مَغْلُوب شَدْ. یَارِی اَم فَرْمَا».

(قمر: ۱۰)

موسای کلیم علیه السلام نیز آن گاه که برای جهاد با فرعون و فرعونیان آماده شده بود، چنین دعا کرد:

پروردگارا! شرح صدر [و سینه‌ای گشاده] عطایم کن و کارم را بر من آسان فرما! (طه: ۲۵ و ۲۶)

دسته سوم، آیاتی هستند که در قالب دعا و نیایش بیان شده‌اند. برای مثال، در قرآن کریم آمده است:

ای پروردگارا! دل‌های ما را پس از آنکه هدایت کردی، منحرف نساز و از نزد خود به ما رحمت عطا فرما! به درستی که تو بسیار بخشنده هر عطیه‌ای. (آل عمران: ۸)

ای پروردگارا! همانا ما شنیدیم نداکننده‌ای که می‌گفت: به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را ببخش و بر بدی‌های ما پرده پوش و ما را با نیکوکاران بمیران. ای پروردگارا! آنچه به پیامبرانت وعده داده‌ای، به ما نیز عطا کن و ما را در روز قیامت رسوا مکن، همانا که تو همواره به وعده‌ات وفا می‌کنی.

(آل عمران: ۱۹۳ و ۱۹۴)

پیام متن:
 خداوند در قرآن کریم، بندگان را به شکل‌های گوناگون به دعا و نیایش فرا می‌خواند.

توجه اهل بیت علیهم السلام به دعا و نیایش

در فضیلت نیایش و دعا روایت‌های فراوانی از اهل بیت علیهم السلام بر جای است. از جمله، نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «چیزی نزد خداوند گرامی‌تر از دعا نیست».^۱

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:

از دعا غفلت مکن. مبادا بگویی هر کسی تقدیری داشته و کار گذشته است. نزد پروردگار مقامی است که به آن مقام کسی نخواهد رسید، مگر با درخواست و مسئلت از پروردگار و اگر بنده‌ای لب فروبندد و از خدا سوال نکند، هیچ چیز به او داده نخواهد شد. پس، از خدا بخواه تا حاجت خود را بگیری. هیچ دری نیست که کوبیده شود، مگر آنکه سرانجام به روی کوبنده آن گشوده خواهد شد.^۲

۱۴۱

همچنین، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

دعا، کلید بخشایش و رحمت‌های پروردگار و وسیله پیروزی بر تمام خواسته‌ها و

حاجت‌هاست. به آنچه از خیر و خوبی نزد خداوند است نمی‌توان رسید، مگر با دعا.^۱

و باز نقل است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود:

آیا شما را به سلاحی راهنمایی نکنم که از دشمنان رهایی دهد و روزیتان را فراوان

سازد؟ عرض کردند: چرا. فرمود: پروردگارتان را در شب و روز بخوانید؛ زیرا سلاح مؤمن،

دعاست.^۲

امام رضا علیه السلام به اصحاب خود فرمود: «خویشتن را با سلاح پیامبران مجهز کنید.» پرسیدند:

سلاح پیامبران چیست؟ فرمود: «دعا».^۳

پیام متن:

دعا، کلید رحمت پروردگار، سبب رسیدن به خواسته‌ها، سلاح پیامبران و موجب رهایی به بارگاه خداوند است.

اهمیت نیایش و دعا از دیدگاه بزرگان

۱. امام خمینی

دعا نقش سازندگی دارد. دعا آدم را می‌سازد. اقامه عدل را در دنیا همین پیامبرانی کردند که اهل

ذکر و فکر و دعا بودند. همین دعاها، همین توجهات به خدا، انسان را به مبدأ غیبی متوجه می‌کند

که اگر انسان درست بخواند، این توجه به مبدأ (پروردگار) موجب می‌شود که انسان علاقه‌اش، به

خود کم شود و نه تنها مانع فعالیت نمی‌شود، بلکه فعالیت هم می‌آورد؛ فعالیتی که برای خودش

نیست، برای بندگان خداست و می‌فهمد که فعالیت برای بندگان خدا، خدمت به خداست.

دعا فعالیت و نور می‌آورد، انسان را از ظلمت نجات می‌دهد. وقتی از ظلمت رها گردید،

انسانی می‌شود که برای خدا کار می‌کند، برای خدا شمشیر می‌زند و قیامش برای خدا می‌شود.

همین کتاب‌های ادعیه، انسان را می‌سازد. وقتی یک انسانی آدم شد، به همه مسائل اسلامی و

انسانی عمل می‌کند و برای خود، یا زراعت می‌کند یا تجارت یا کار دیگر و برای خدا جنگ. همه جنگ‌هایی که در مقابل کفار و ستمگرها شده، از اصحاب توحید و از این دعاخوان‌ها بوده است. حتی آنها که به طور ضعیف دعا می‌خوانند و ذکر «الله» می‌گویند، به همان اندازه که طوطی‌وار در آنها تأثیر کرده، بهتر از آنها می‌باشند که ترک دعا را کرده‌اند. نمازخوان ولو اینکه مرتبه نازل‌های داشته باشد، از نماز نخوان بهتر است. همین دعاخوان‌ها و همین کسانی که به ظواهر اسلام عمل می‌کنند، یا پرونده جنایت ندارند یا پرونده جنایتشان نسبت به دیگران کمتر است. قرآن از دعا تعریف می‌کند و مردم را به دعا وامی‌دارد: «قُلْ مَا يَفْعَلُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ ای پیامبر! به مردم بگو، اگر دعای شما نبود، خدا به شما توجه و اعتنایی نداشت.» (فرقان: ۷۷)^۱

پیام متن:

از آثار دعا، کم شدن علاقه انسان به خود و انجام دادن کارها برای خشنودی خداست.

۲. مقام معظم رهبری

«شما می‌توانید با توجه و دعا، زمینه تقدیرات خودتان را فراهم آورید. به دعا به چشم جد نگاه کنید. حقیقتاً از خدای متعال بخواهید. دعا یعنی خواستن. از خدا باید بخواهی. هرچه بیشتر با الحاح و با جدّ و اصرار بخواهید، احتمال استجابت بیشتر است.

نکته دیگر در این باب این است که خواسته‌های زندگی زیادند، اما بعضی خواسته‌ها حقیر و بعضی خواسته‌ها جلیل و عظیم و ارزشمندند. خواسته‌های جلیل را پیدا کنید، خواسته‌های عظیم و با قدر و قیمت را پیدا کنید. نه اینکه راجع به زندگی معمولیتان چیزی نخواهید؛ چرا، گاهی در همین خواسته‌های زندگی معمولی هم نقطه‌ای است که خیلی تعیین‌کننده است، اما بعضی چیزها هم خیلی کوچکنند».^۲

دعا برای عافیت، مهم است. در روایات است که «از معصوم علیه السلام سؤال کردند: ما برای چه چیزی دعا کنیم؟ فرمود: برای عافیت. «عافیت»، در مقابل ابتلا و بلاست. عافیت از اخلاق بد،

۷۴۳

۱. ابراهیم غفاری، آیین نیایش، صص ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۵.

۲. ...

عافیت از آن چیزی که در عرف به آن «عافیت طلبی» می‌گویند، یعنی وارد میدان نشدن. این خودش یک بلا و یک بدبختی است. عافیت از گناه، عافیت از تسلط دشمن، عافیت از نفوذ دشمن و عافیت از شهوات نفسانی! همه اینها عافیت است. از این رو، در دعاهای سجده آخر می‌گوییم: «یا وَلِیُّ الْعَافِیَةِ، اسْتَطَلَّكَ الْعَافِیَّةُ، عَافِیَةَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ».

امام حسین علیه السلام، مظهر آزادگی و شجاعت و از خودگذشتگی، با آن همه عظمت در دعای عرفه می‌فرماید:

«پروردگارا! اگر تو از من راضی باشی، من به هیچ چیز دیگر اهمیت نمی‌دهم، به هیچ مشکلی از مشکلات زندگی اهمیت نمی‌دهم... ولی اگر عافیت را نصیب من کنی، برای من بهتر است.»^۱

پیام متن:

۱. فراهم کردن تقذیرات به سبب دعا.

۲. بلندهمتی در دعا.

۳. دعا برای عافیت طلبی.

۳. امام محمد غزالی

«اگر بگویی با اینکه «قضای» پروردگار، تخلف‌ناپذیر است، «دعا» چه فایده‌ای خواهد داشت؟ باید بدانی که دعا یکی از اسباب این عالم است و قضا و قدر، بر این تعلق گرفته که شرور و بلیات را با دعا باید برطرف ساخت؛ چه آنکه دعا وسیله و سببی است برای رفع بلا و جلب رحمت خدای جل و علا. همان گونه که سپر سببی است برای اینکه انسان را از حربه دشمن محافظت کند و «آب» سببی است که موجب رویدن نباتات از زمین می‌شود. همچنین، دعا بلاها را دفع و برکات و خیرات را جذب می‌کند.

از دیگر فایده‌های دعا این است که قلب دعاکننده را نزد پروردگار حاضر می‌سازد و این نهایت عبادت است. بدین جهت، پیامبر خدا می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مَنَعُ الْعِبَادَةَ؛ دعا عصاره بندگی است.»

روش بیشتر مردم این است که تا نیازی نداشته باشند، دل‌هایشان به سوی خدا توجه نمی‌یابد. پس، هرگاه با شرور و سختی‌ها دست به گریبان شوند، به دعا‌های دور و دراز چنگ می‌زنند.

نیازمندی، انسان را به سوی دعا می‌کشد و دعا دل را با تضرع و فروتنی، به سوی پروردگار می‌برد. به همین جهت، بلیات دائماً متوجه انبیا بوده و بعد از انبیا، اولیا و سپس آنها که به انبیا و اولیا شباهت بیشتری داشته و دارند؛ چه آنکه دل‌های شکسته و نیازمند، پیوسته با خداست و تنها دست آویزشان دعاست.^۱

پیام متن:

دعا، سبب دفع بلا، جلب رحمت الهی و نزدیک شدن دعاکننده به خداست.

۴. جبران خلیل جبران

«شما هنگام سختی دعا می‌کنید و در هنگام فقر و نیاز زبان به نیایش می‌گشایید. کاش در روزگار نعمت و شادی نیز دعا می‌کردید؛ زیرا حقیقت دعا جز این نیست که شما هستی خویش را در اثر آسمانی و اکسیر زندگی گسترش می‌دهید.

اگر برای نیل به شادی دعا می‌کنید و ظلمات غم‌های خویش را به آسمان می‌فرستید، شادی شما نیز باید نور صبحگاهان قلبتان را در فضا پخش کند و آن‌گاه که روحتان شما را به نیایش فرامی‌خواند و جز گریستن نتوانید؛ گر چه گریانید، خندان باز آید.

وقتی دعا می‌کنید، به معراج می‌روید. پس، بگذارید زیارت نامرئی شما از این معبد به خاطر چیزی جز وجد و شادی و همراز شدن با جان جهان نباشد. همین که به حریم این معبد پنهان وارد شوید، شما را کافی است.

من نمی توانم شما را دعایی بیاموزم و کلماتی تعلیم کنم که بدان، خدا را نیایش کنید. خداوند به کلمات شما گوش نخواهد کرد؛ مگر آن کلمات را خود بر زبان شما جاری کند. اگر در آرامش شب گوش فرا دارید، صدای دریاها، جنگل ها و کوه ها را خواهید شنید که: ای پروردگار ما، ای نفس در پرواز ما، این خواست توست که در ما می خواهد. این آرزوی توست که در ما آروز می کند. این شوق توست که شب های ما را روز می گرداند؛ شب هایی که از آن توست و روزهایی که ملک توست. ما نمی توانیم چیزی از تو بخواهیم؛ زیرا تو نیازهای ما را نیک می دانی، پیش از آنکه نیازها در ما زاده شود. نیاز حقیقی ما تویی و اگر تو خود را بیشتر به ما دهی، همه آرزوهای ما را برآورده کرده ای»^۱.

پیام متن:

۱. دعا به هنگام نعمت و شادی در کنار دعا به هنگام فقر و نیاز.

۲. دعا عاملی برای عروج انسان

۵. الکسیس کارل

نیایش، همچون دم زدن، خوردن و آشامیدن، از نیازهای ژرفی است که از عمق سرشت و فطرت سر می زند. نیایش برخلاف تخدیر که به ضعف و مرگ منتهی می شود، نیروزا، نشاط انگیز و عامل شکفتگی احساس ها، عاطفه ها و استعداد های مرموز درون روح آدمی است.

نیایش، کشش روح است به سوی کانون غیرمادی جهان و می توان گفت که نیایش، پرواز روح است به سوی خدا. آنجا که پای نیایش به میان می آید، کُمیم اندیشه و بیان درمی ماند.

نیایش در مرحله عالی تر خود، از سطح درخواست و عرض حال فراتر می رود. انسان در

پایه خداوندگار هستی، نشان می دهد که او را دوست دارد، نعمت های او را سپاس می گزارد و

آماده است تا خواست او را هرچه باشد، انجام دهد. هیچ کس هیچ وقت نیایش نکرده است، مگر

آنکه چیزی دستگیرش شده است.

هیچ ملتی در تاریخ و هیچ تمدنی در گذشته، به زوال قطعی فرو نرفت، مگر آنکه پیش از آن سنت نیایش در میان آن قوم ضعیف شده بود. هرگاه سنت نیایش و پرستش در جامعه‌ای رو به ضعف و فراموشی رود، مقدمات انحطاط آن جامعه است. آمار جنایت‌ها نشان داده است، اشخاصی که به عنوان مجرم و جنایت‌کار در جامعه شناخته شده‌اند، به طور متوسط، کسانی هستند که یا نیایش نمی‌کنند یا بسیار اندک و جاهلانه نیایش می‌کنند. برعکس، آنها که هنوز سنت نیایش را حفظ کرده‌اند، غالباً از دست زدن به جنایت مصونند و گاه اگر دست می‌آیند، به صورت حرفه‌ای و صفت مشخصشان نیست، بلکه لغزشی است در زندگی‌شان.^۱

پیام متن:

۱. دعا، برخاسته از فطرت آدمی و عامل شکفتگی احساس‌ها و استعدادهاست.
۲. انحطاط جامعه و افزایش بزهکاری، از آثار دوری از دعاست.

۶ مهاتما گاندی

«همان‌گونه که غذا برای بدن ضروری است، نیایش نیز برای روح ضرورت دارد. شکی ندارم که مشاجرات و منازعاتی که امروز فضای زندگی ما را انباشته‌اند، ناشی از فقدان روح نیایش حقیقی‌اند. نیایش، چیزی جز شوقی شدید و برآمده از دل نیست. نیایش حقیقی هرگز بی‌پاسخ نمی‌ماند. این سخن بدان معنا نیست که کوچک‌ترین چیزی را هم که از خدا طلب کنیم، واقعاً به ما عطا کند. فقط زمانی که خودخواهی را با تلاشی آگاهانه از خود دور کنیم و با خضوعی حقیقی به خدا نزدیک شویم، نیایش‌هایمان پاسخ می‌گیرند. نیایش، بزرگ‌ترین نیروی پیونددهنده است و باعث انسجام و وحدت خانواده بشر می‌شود. اگر کسی از رهگذر نیایش به وحدت خود با خدا پی ببرد، نگاهی به همه انسان‌ها به گونه‌ای»

خواهد شد که گویی خود اویند. در چنین حالتی، دیگر اثری از مقام بالا و مقام پایین و قوم‌گرایی‌های کوتاه‌اندیشانه یا رقابت‌های مبتذل باقی نمی‌ماند.

دامنه نیایش، محدود و تنگ نیست و چنین نیست که فقط طبقه یا جامعه خود فرد را دربرگیرد. دامنه نیایش فراخ و فراگیر است و کل بشر و همه آدمیان را دربرمی‌گیرد. پس تحقق آن؛ یعنی بنیان نهادن ملکوت آسمان‌ها بر روی زمین.

من بر لزوم نیایش تأکید می‌کنم؛ زیرا به وجود قدرتی مافوق معتقدم. نیایش، اندوخته زندگی من است. بدون آن، مدت‌ها پیش مشاعرم را از دست می‌دادم و دیوانه می‌شدم. بدون نیایش، زندگی در چشمم تیره و تار است.^۱

پیام متن:

۱. استجابیت دعا، در گرو خضوع حقیقی است.
۲. از قابلیت‌های شگرف دعا، وحدت جامعه بشری و از میان رفتن قوم‌گرایی است.